

اجازه توقف اجرای حکم کیفری؟! به رؤسای کل و دادستان‌ها تا نتیجه بررسی تقاضای اعاده دادرسی

به دنبال فرصتی هستیم که در خصوص بخشنامه‌های متعدد ماده ۱۸ مواردی را یادآور شویم که به آینده واگذار می‌کنیم اما تفویض اختیار به رؤسای کل و دادستان‌ها دال بر توقف اجرای حکم کیفری در بخشنامه جدید جلب نظر می‌کند.

●●●

نظر به اینکه در مورد پرونده‌های مشمول ماده واحده قانون اصلاح ماده ۱۸ اصلاحی قانون تشکیک دادگاه‌های عمومی و انقلاب، مصوب ۱۳۸۵ پرسش‌هایی از سوی برخی از قضات مطرح و مطرح به این قوه منعکس می‌شود، نکات زیر اعلام می‌گردد تا مورد عنایت و عمل قرار گیرد:

۱- تشخیص رئیس قوه قضاییه مستقیماً و رأساً و یا از طریق موافقت با پیشنهاد مشاوران خویش یا قضات شاغل در حوزه نظارت قضایی ویژه دایره به اعمال ماده ۱۸، با توجه به مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی در جلسه ۲۸۶ منتشره در روزنامه رسمی ۱۸۰۳۸ - ۱۳۸۵/۱۰/۲۴ (که قانون فوق مبنیاً بر آن تصویب شده است) فی‌نفسه مجوز اعاده دادرسی تلقی می‌شود. بنابراین در پرونده‌های کیفری مشمول آن ماده به صدور مجوز مجدد از ناحیه دیوان عالی کشور و در پرونده‌های حقوقی به صدور قرار قبولی اعاده دادرسی توسط دادگاه صادرکننده حکم، نیازی ندارد.

بدیهی است اختیار دیوان عالی کشور در پرونده‌های کیفری و اختیار دادگاه صادرکننده حکم در پرونده‌های حقوقی، نسبت به سایر جهات اعاده دادرسی مقرر در قوانین آیین دادرسی مربوط (غیر از آرای خلاف بین شرع مشمول ماده ۱۸) کماکان پابرجاست.

۲- چون اعاده دادرسی مستلزم رسیدگی ماهوی مجدد به موضوع است، در پرونده‌های کیفری مشمول ماده فوق، مرجع صالح برای رسیدگی ثانوی دادگاه هم‌عرض محکمه صادرکننده حکم قطعی است، بدین شرح که:

۲-۱- اگر حکم بدوی قانوناً قطعی بوده (مانند پرداخت خمس دیه کامل یا کمتر از آن) یا به علت عدم تجدیدنظرخواهی و یا به دلیل تجدیدنظرخواهی خارج از فرجه مقرر قانونی، قطعی شده باشد، شعبه دیگری از نوع دادگاه صادرکننده حکم (به اختلاف موارد: دادگاه عمومی جزایی - انقلاب - کیفری استان - ویژه اطفال - نظامی دو - نظامی یک) به عنوان دادگاه هم‌عرض مأمور اعاده دادرسی خواهد بود.

۲-۲- چنانچه حکم بدوی با تأیید در مرجع تجدیدنظر (حسب مورد: دادگاه تجدیدنظر استان - دادگاه نظامی یک) قطعی شده باشد و یا مرجع تجدیدنظر احیاناً با نقض حکم تجدیدنظر خواسته بدوی، حکم دیگر صادر کرده باشد (که قطعی تلقی می‌شود)، اعاده دادرسی در شعبه هم‌عرض همان مرجع تجدیدنظر صورت می‌گیرد.

۲-۳- و سرانجام در مواردی که حکم بدوی با ابرام در دیوان عالی کشور قطعی شده است، اعاده دادرسی

در شعبه هم‌عرض از همان نوع دادگاه صادرکننده رأی بدوی انجام خواهد شد.

۳- چون برابر ملاک ماده ۴۶۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۰ (نسبت به پرونده‌های محاکم نظامی) و ماده ۲۷۵ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ (نسبت به پرونده‌های محاکم عمومی و انقلاب) و با توجه به رأی وحدت رویه ۵۳۸ - ۱۳۶۹/۸/۱، تجویز اعاده دادرسی با اعمال ماده ۱۸ اصلاحی موضوع بخشنامه حاضر، از سوی رئیس قوه قضاییه، ناقض رأی خلاف بین شرع معترض‌عنه نیست و فقط اجرای آن به تأخیر می‌اندازد؛ بنابراین دادگاه صالح مرجع‌الیه به شرح بندهای قبل، بعد از رسیدگی ماهوی مجدد و توجه به اشکال و ایراد منتهی به اعمال ماده ۱۸ اصلاحی، مبادرت به نقض حکم قطعی مورد استدعای اعاده دادرسی و صدور حکم صحیح و قانونی به تشخیص خود خواهد کرد و در فرضی که احیاناً پس از تجدید دادرسی، حکم قبلی را صحیح و غیرقابل نقض بداند، بدون صدور حکم مجدد و مکرر، تنها مبادرت به رد اعاده دادرسی خواهد نمود.

۴- چنانچه حکم مورد استدعای اعاده دادرسی به دلیل عدم رعایت مقررات آمره مربوط به صلاحیت از سوی دادگاه صادرکننده و در نتیجه به لحاظ خروج قاضی از قلمرو اذن در قضا (که مقید به رعایت موازین قانونی است) خلاف بین شرع و مشمول ماده ۱۸ اصلاحی تشخیص داده شود، اعاده دادرسی در محکمه‌ای به عمل خواهد آمد که قانوناً صلاحیت رسیدگی به موضوع را داشته و در نظریه مشاوران رئیس قوه قضاییه یا قضات حوزه نظارت قضایی ویژه پیشنهاد شده است و به تأیید رئیس قوه قضاییه می‌رسد.

۵- مرجع اعاده دادرسی نسبت به پرونده‌های مشمول ماده ۱۸ اصلاحی که شعب تشخیص دیوان

عالی کشور قرار رد درخواست اعمال تبصره ۲ ماده ۱۸ اصلاحی (سابق) را در مورد تقاضای اشخاص و مقامات ذی سمت صادر کرده‌اند، نیز دادگاه هم‌عرض محکمه صادرکننده حکم بدوی است، مگر این که شعبه تشخیص دیوان عالی کشور با وارد دانستن اعتراض و تقاضا، مبادرت به نقض رأی معترض‌عنه و صدور رأی ماهوی مقتضی نموده باشد و احیاناً این رأی خلاف بین شرع و مشمول ماده ۱۸ اصلاحی اعلام گردد، که فقط در این فرض، طبق تبصره ۳ ماده مورد سخن، مرجع اعاده دادرسی نسبت به موضوع شعب دیوان عالی کشور خواهند بود.

۶- چون پرونده‌هایی که قبل از احیای دادرسی تشکیل شده، بنا به نص تبصره ۴ ماده ۳ از شمول قانون اصلاح قانون تشکیک دادگاه‌های عمومی و انقلاب، مصوب ۱۳۸۱ خارج است، چنانچه رأی مشمول ماده ۱۸ اصلاحی ملاحظه حکم قضایی باشد که سابقاً از دادگاه عمومی صادر و در دیوان عالی کشور ابرام شده است، مرجع اعاده دادرسی نسبت به آن شعبه دیگری از دادگاه عمومی است، نه دادگاه کیفری استان.

۷- صرف تقاضای محکوم علیه به استناد ماده ۱۸ در پرونده‌های حقوقی که حکم قطعی صادر شده و لازم‌الاجرا می‌باشد نبایستی موجب توقف اجرای حکم حقوقی گردد و قضات اجرای احکام پرونده‌های حقوقی بایستی سریعاً طبق ضوابط احکام قطعی صادره را اجرا نمایند بدیهی است در صورت قبول اعاده دادرسی و تجویز آن از طرف رئیس قوه قضاییه اجرای حکم طبق ضوابط مربوطه به اعاده دادرسی متوقف می‌شود.

۸- درخواست محکوم علیه به استناد ماده ۱۸ و ادعای خلاف بین شرع بودن حکم قطعی لازم‌الاجرای صادره در امور کیفری نیز موجب توقف اجرای حکم کیفری نمی‌گردد مگر اینکه رؤسای کل دادگستری‌ها یا دادستانهای مجری حکم با بررسی پرونده و ملاحظه دلائل و مدارک ارائه شده اجرای حکم را صحیح ندانسته و معتقد به بررسی مجدد باشند که در این گونه موارد تا بررسی پرونده در حوزه نظارت قضایی و قبول تجویز اعاده دادرسی اجازه داده می‌شود اجرای حکم قطعی کیفری نسبت به محکوم علیه که هنوز شروع به اجرا نشده و محکوم علیه با تأمین آزاد است شروع نگردد. بدیهی است بایستی در اینگونه موارد سریعاً پرونده را با اظهار نظر ارسال نمایند تا با قبول اعاده دادرسی و تجویز آن اجرای حکم طبق ضوابط متوقف گردد.

۹- رؤسای کل دادگستری‌های استانها و دادستان‌های مربوطه و سازمان قضایی نیروهای مسلح بر اجرای صحیح این بخشنامه نظارت می‌کنند.

رئیس قوه قضاییه - سید محمود

هاشمی‌شاهرودی

روزنامه رسمی شماره ۱۸۴۴۳ مورخ

۱۳۸۷/۴/۵

